

۵۷۳۵

توانا و مریک داتا و

((دانشگاه تهریز))

" دانشکده ادبیات "

پایان نامه

برای دریافت درجه دکتری از دانشکده تهریز

موضوع

مقاله آیهید مولوی فیلهد وهد بن وپاری پودک

استاد راغتصبا

جناب آقای دکتر فرخ دادگسر

نمکاش

محد - بختیار

سال تحصیلی



۱۳۴۷

۴۸

تکیم ۹ :

پدر بزرگ گرامم جناب آقای حاج بداله ناصح که در تمام

شئون زندگی مشوقم بوده باز بذل هرگونه لطف و مرحمت درمیرد این بنده

در ریخ نفرمیده انسد •

۵۷۷۸

تجدید نظر :

مادر می‌درد رهز و مهر انتم که باندا آثارها باز خود گذ شگبهای

همیشگی بود مرا درد امان مهر و محبتشان پروراند و در راه تعلیم و

تربیت و شرفم از هرگونه کوششی فریگذا رنمود باند .

تکذیب به :

برادران و خواهرسوم که عزیزان منتند .

تکرم به استاد :

این اوراق بهتقدار را بحضیر استاد گرامی ومهربان وفاضل خود جناب

آقای دکتر فرید دادگر خاصمانه تقدیم میدارم وامیدوارم که بانظر لطف و

عنایت بهتدریجات آن نظر بیندازد ویا آن سعه مدوری که در ابتدا وخطاها

و اشتباهات آن چشم پوشی فرموده و اگر ایضا تشریف ایشان اجازه دهد

از دادن تذکرات لای در باب اصلاح ^{آن} اظلام مضایقه نفرمائید .

با این رساله ناچیز وخدمت بهتقدار ظاهره و بزه دانشکده واستاد

احقر استاد پایان میدهد . اما خداوند ووجدان من شاهد است مادام

که در عرصه حیاتم هرگز این مهور و محبتهای ذیقیمت را که در ایام تحصیل واستاد

از حضور استاد دلسبزی ومهربان خود دیدم از یاد نخواهم برد و همیشه

باید آرزایم بآن ساطت و دقایق در محضر آن استاد پر دهم خوشوقتموشاد -

کامیابم بود و همیشه خرد را شاکردی بهتقدار بهعظم که را بد ومهربان

استاد و سرور طالبم خرد خواهم دانست و در شداید و هنگام حل مشکلات

مادی خود یا سکن شریف ایشان پناه برده و دست خوب بردارن پاکیزه ایشان

خواهم بود و از راهشای ایشان بهره مند و بر مباح غالب آمده همیشه -

خوشه چین خرم معلوما ت و شاگرد مکتب غافل و نظره بردار دانستنیها ایشان -

خواهم بود •

در اینها باز میگویم گای گاشاد را بیدم تا آنکه کربان سپاسگزار و شاگرد

آنچه لطف و مرحمت بی پایان باشم و لیاقتی که هرگز نخواهم توانست یکی از

آن بوشطوان صحبت ها دید بهر پای بید ریخ و با گردن شایر •

از خدا بخواهم با ریم کسند تا شاگردی خلف و نبوده برداری تا بپرد

مکتب بی رای فضایل ایشان باشم •

نگاره : :

دستان عزیز که هموقت الهامبخش من در زندگی بوده و وجود آنها

افکارم را متکمّل کرده و دستان که یاد نسیزها و راهنماهایی باشند همیشه خود را متفکر

حس کرده ام .

تذکرہ :

• تذکرہ

((فهرست ضمیمہ درجات))

۱	۱- پوشکاتار •
۱۱	۲- فیلرہا و فیلاونیز •
۱۷	۳- طبقہ بندی فیلرہا •
۱۹	۴- دستہ د راکٹکولوئید •
۲۲	۵- کوم پدینہ و کاربوج •
۲۴	۶- انتشار جغرافیائی و خشک •
۲۶	۷- میر فولیوی و سولیری انکل •
۲۷	۸- کوزر •
۲۸	۹- کرپٹاد •
۳۱	۱۰- سپرٹاملی کوم •
۳۳	۱۱- لاریو •
۳۵	۱۲- بیولژی لاریو
۳۸	۱۳- میزبان و اسما •

ص ۴۱	۱۴ - میزان نهائی •
۴۲	۱۵ - موارد پاتولوژی بیمار صبح
۴۷	۱۶ - مورفولوژی و هم •
۴۸	۱۷ - انواع کرم •
۵۱	۱۸ - نقاطی از بدن کرم در آن دیده میشود •
۵۳	۱۹ - تشخیص •
۵۸	۲۰ - ایجاد میوزی •
۶۲	۲۱ - پیشینی بد رمان •
۶۴	۲۲ - پروتئین رایران •
۶۶	۲۳ - بررسی مناطق آلوده •
۷۰	۲۴ - منابع آب ویرکها •
۷۱	۲۵ - ساختار ویرکها •
۷۵	۲۶ - طریقه آلودگیها •
۷۸	۲۷ - پیشگیری •
۸۰	۲۸ - طریقه پیشگیری های مبارزه با پروت •
۸۴	۲۹ - نتیجه •

(بنام خداوند جان و خرد)

پیشگفتار :

مهمترین و شاید جالبترین پدیده ایک هر پژوهنده و محقق
بآن رو برداست که تکثیر و تلافی های دائمی و مستمر برای زندگی
و مخصوص تاز و پناه است که از اولین قدم های تپه های دوره جنینی تا
زمان مرگ ادامه دارد و این تلافی ها جنگ و کوششها در زنده ماندن
ساکت و خاموش طبیعت جاہست و در تحت آرمه و سکون ظاهری آن -
در همه جا جنگها - کوهها - مرزها - دریاها ... و بالاخره مرزها
طبیعت جنگی بسیار عظیم برای زنده ماندن با تمام شدت خود ادامه -
دارد و این موسم در نزد کوچکترین موجودات ذره بینی و میکروسکوپی تا انسان
اشرف مخلوقات دیده میشود .

و هیچکدام از آن میرا نیستند . زنده بودن و ادامه دادن زندگی
در بعضی شرایط مستلزم آنست که موجودی زندگی خود را تحمل و ببرد
با موجودات دیگر و بالاخره محیط خود بنماید و انگل باشد چون میخراشد

زنده بماند حال مهمیست که در خلال زنده ماندن او بود یکران

چه میگردد •

شاید زمانی که اولین موجود زنده بوجود آمد انگلیز تشکیل

شد یعنی مرتبه میزان بوجود آمد •

و اما انسان پانچویع و هوش اختراع می و دیگری که دارد خود را از این

تلاش و تلاش در رنگهداشک و خویشتن را انگل نمیدانند بلکه بعنوان

صاحب و مال تنظیمت می بندد از زسرا هوش و اطلاعات مانوق او مهت و قدرت

مخلوب نشدنی بار بخشیده و بر تمام موجودات نافع آمد است

ولیکن خود همیشه بعنوان پشموزمان از انگلیهای گوناگون

رضح میرود با ززمانها بسیار بسیار در در هوش و خرد خرد این انگلیها و بیماریها

خطرات حاصل از آنها برده و هست •

چنانچه تاریخ از اجدد میهای بزرگ بیماریهای گوناگون که باعث مرگ و

میر و نابودی شده بسیار زیادی از اینها بشر برده حکایت میکند و

نیز بقراط و ارسطو و جالینوس و دینودید از دانشمندان و محققین

دنیای قدیم بیماریهای مختلف انگلی را ذکر نموده‌اند .

البته موشی که در اینجا قابل ذکر است اینکه فرق کلی و کاملی

بین باکتریها و میکروپها و انگلیها نمیکند امروزه در علم پارانیتوزی از

آنها بحث میشود نسبت نمیتوان به دربار کامل جداکننده بین آنها

کشید و فقط از روی پدیده های مایکروبیکی آنها میتوان فرقی بین آنها

قابل شد چون این مسئله در بین انگلیها کاملاً متوازن میکروپها و باکتریها است.

بحث مورد نظر ما در اینجا میکروپها میباشند یعنی پلور کلی پارانیتوزیسم

Parasitisme (انگل بودن) عبارت از شرایط لازم برای زندگی

موجودی روی موجود دیگر است بنا به میزان پدیده آنکانترا ازین پیروی

یعنی برخلاف طی که حیوانات طعمه‌خوار Eristeour در مورد

شکار خود انجام میدهند و بنا به تمیزی که یکی از دانشمندان نمود موجود

طعمه‌خوار یک شکار خود را بخاطر تغذیه میکشد و ازین میرود انگلی نیست

ولی این بدان معنی نمیباشد که انگلیتوز بهر میزان خود را
از بین نمی‌برد بلکه مرگ میزان هر انگلی با مرگ خود انگل توأم است.
بطور کلی موشی که قابل توجه است اینکه از هزاران سال پیش
بشر با بیماریهای کوتاهگونی انگلی که در بعضی شرایط کاملاً خطرناک
بوده و با صورت اپیدمیهای خطرناک میباشند دستگیر شده است.
و امروزه نیز یکی از روشهای مهم طب پزشکی در دانشمندی و انگل -
شناسی و بیماریهای انگلی شکل پیدا کرده است. البته با پیشرفت های -
شایان توجه و امیدوارکننده ای در بیماریهای انگلی توسط
اولاد آدمی گردیده است که بسیار بسیار جالب توجه و درخور تحسین و شکر است
ولی متأسفانه در بعضی شرایط پیشرفتهای علمی و روشی در مورد
بیماریها ببطور متأسفانه با انگل موثر و مفید نبوده و بطوریکه در زمان هانت که
که در هزاران سال پیش معمول بوده (بویک) و با در بعضی موارد بهر میزان که
بدست آوردیم برای تشخیص شخص بیمار را بهبود بخشیده ولی در

شرایط دیگری عوارض پتری درباره ظاهر گردیدند . بهبودی
موقتی مالتها یکی از این نمونه ها است یا در بعضی شرایط
دیگر ده ای از انگلیها و سایر باکتریها بر میز کار و عملیات مابریه
خود پی برده و با ایجاد مقاومت نسبت به سایر داروهای و داروهای
محدودیتهایی در روش درمان پیچید آورده اند مثل مقاومت های از
باکتریها و تریمانوزها نسبت به داروهای شیمیایی یا حیوانات نسبت به -
حشره کشها .

مطلب دیگری که باعث تأسف و درخور توجه است اینست که اغلب پیشرفتها

علمی . پزشکی . و داروئی همانطور که دانشمندی بنام *Vauca1*

در سال ۱۹۵۴ در مقاله خود گزارش کرده اند نمیب اجتناب از پیشرفت

و تمدن و شوقند میباشد و حال آنکه اغلب بیماریها مانگی و میکروبی

در نقاطی دیده میشوند که عقب افتاده و فقیر بوده و هنوز بسینه هزاران سال

پیش زندگی می نمایند .